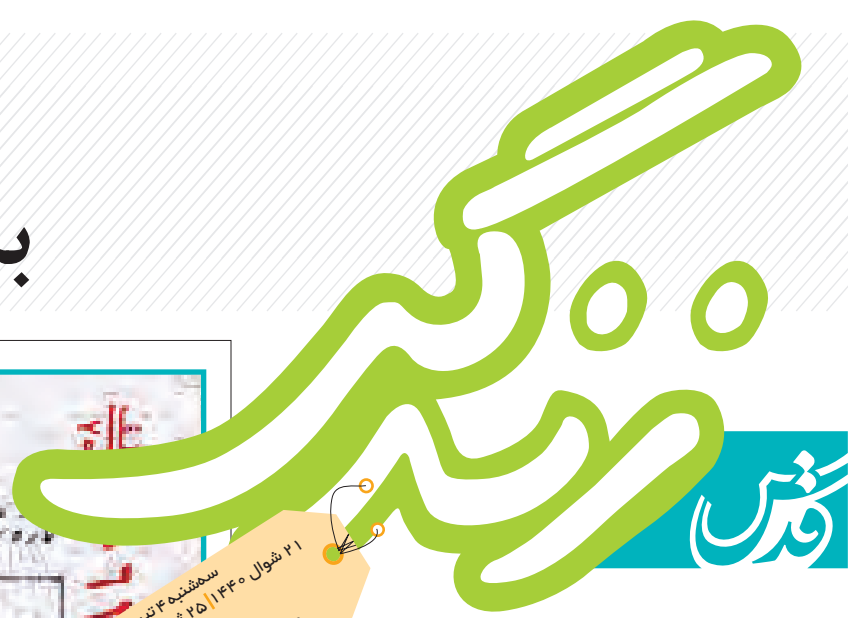




گفتگو

نه چندان جدی

پرستوهای واکنش‌دهنده و مدیران واکنش‌پذیر

م.نظرافق: ما از آن تیپ آدم‌های قفل‌کی و واکنش‌دهنده‌ای هستیم که هنوز تقی به توفی نخورده واکنش می‌دهند!ا فرقی ندارد کجا باشیم... استادپوم، سالن موسیقی، سطح جامعه و حتی پشت میزهای مدیریتی، اصلاً بعضی وقت‌ها آن قدر سریع به چیزهای واکنش‌ناپذیر اطرافمان واکنش می‌دهیم که هر کس نداند خیال می‌کند توی گل تشکیل دهنده‌مان «کاتالیزور» حل شده است!

مثلاً وقتی می‌نشینیم پشت میز مدیریتی (آن هم از نوع مدیریت کلان) راحت به پرستوها واکنش می‌دهیم، واکنش‌مان هم فقط مربوط به آن مسائلی که ذهن شما به سمتش رفت، نمی‌شود! آن موضوع ، کاتالیزور واکنشی محسوب می‌شود که به قول نماینده مجلس منجر به تغییر در تصمیمات کلان مدیریتی و ایجاد بحران در وزارت نفت و در نتیجه بلبشوی اقتصادی و کاهش سطح کیفی زندگی مردم می‌شود.

از آن طرف من و شما هم آن قدر راحت با شرایط جدید اقتصادی، قیمت دلار و کاهش سطح کیفی زندگی‌مان آخت می‌شویم که این وسط خودمان هم نمی‌فهمیم کاتالیزور واکنشی که منجر به ایجاد این شرایط اقتصادی و آخت شدنمان با آن شده، پرستو بوده یا قضا و قدر روزگار یا پایین و بالا‌های دنیای سیاست!

در این شرایط احساس می‌کنم به یک اصلاح اساسی در سیستم و ساختار مدیریتی‌مان نیاز داریم. البته نه از آن اصلاح‌هایی که اصلاحاتی‌جا ه شلنگ را از توی باغچه رقیب برمی‌دارند و می‌گذارند توی باغچه خودشان و مردم هم از دور هورا می‌کنند؛ اصلاح درست و حسابی! منظورم این است وقتی می‌شود با یک پرستوی خشک و خالی، ۱۶ مدیر رده بالا را از راه به در کرد و به قول یکی از نماینده‌های مجلس تصمیم‌های درشت اقتصادی مملکت را به سمت و سویی سوق داد که پرستوی محترم مد نظر داشته، بدون تردید با یک لشکر پرستو می‌شود زبانم لال مملکت را برد ته دره. البته به حال ما که فرقی ندارد چون تجربه ثابت کرده ما به علت کاتالیزورهای موجود در گل تشکیل‌دهنده‌مان، در هر زمان و مکانی بخوبی با هر پیشامد و رخدادی واکنش می‌دهیم اما شرایط آب و هوایی در ته دره زیاد مساعد نیست!



روزمره نگاری

خردسالی، سمج است!

رفیه توسلی: «بابا» هر ۲۰ ثانیه غرض می‌کند. آبان فیگور می‌گیرد... آبان دُمبل خیالی می‌زنند... بازوهای نحیف سه ساله‌اش را به رخمان می‌کشد... شکل بدنسازها راه می‌رود... سراسر تفرلا و جنبش تازه است.

بسه «فرید» می‌گویم: چه کار کردی پسر خوب؟ این طفلکی بود که دادیم دستت! با اشکال از آمپولی ست که زدی یا جدیداً تزریقات بچه‌ها را توی باشگاه انجام می‌دهند؟ بگو، خجالت نکش.

فرید، شیطن‌آمیز می‌گوید: «یهویی شد... این قدر وارفته بود که گفتم بنار از مریضی، حواس پرتر شد کنی... اسفا حالا که دقت می‌کنم می‌بینم نه، انگار دُر دارو مناسب این سن نبود». بعد غش‌غش خنده‌اش می‌رود می‌چسبد به سقف، سطل خانه‌سازی را از اتاق می‌آورد و می‌گویم پس لطف کن حالا خودت از هیروت درش بیابور، اما آبان، مرغش یک پا دارد و موزیک می‌خواهد. نه سالادماکارونی، نه خانه‌سازی، نه قایم‌باشک، نه قصه.

بشدت پرورش اندام کار می‌کند هرچند کم کم رُست ورزشکارانه‌اش لطیف می‌شود...می‌آید توی آشپزخانه و آب می‌خواهد. بعد مدل همان آبان قبلی، لیوان را دودستی می‌چسبد و با ملج ملوج تَلاش را درمی‌آورد.

فرید پشت سرش ایستاده. پسر دایی نمی‌داند بچه‌ها قدرت ثبت و ضبط و تقلیدشان اعجاب‌انگیز است... نمی‌داند همه دیدنی‌ها و شنیدنی‌ها نباید دُم دستشان قرار بگیرد.

آیفون رنگ می‌خورد. خواهری و گلی می‌آیند. بی‌گمان روز خاصی است امروز، چون گل ترمه هم دکتر شده است! با روپوش، گوشه و کیف پزشکی می‌آید. با عینک و قر و پُر!

فشارم را می‌گیرد و برایم نسخه می‌نویسد. تشکر می‌کنم. بیمار بعدی‌اش آبان است...ساعتی بعد خانم دکتر و آقای بدنساز با مادرشان که می‌روند، من می‌مانم و «عزیز» که بیدار نیست و فرید که پشت لپ‌تاپ، ندانستی‌های مرتبط با روان‌شناسی کودک را جست‌وجو می‌کند.

من می‌مانم و یک سطل پُر از تکه‌های خانه‌سازی. پلاستیک‌های رنگی را می‌ریزم روی فرش. قطعات دندان‌دار صایم می‌زنند... نمی‌دانم خودم را می‌سپارم دست اسباب‌بازی یا آن‌ها را تحت فرمان درمی‌آورم.

اما به هر روی خیلی زود خانه‌ای می‌سازم...

دینگ دینگ! دکمه‌بازی و خانه‌سازی از کودکی با من آمده‌اند به بزرگسالی.

اصلاً خردسالی، سایه‌اش سمج و غلیظ است!

تازه ترها

متهمان بدون چادر آمدند!



متهمان جلسه دیروز دادگاه شرکت کیمیا خودرو اگرچه در نگاه اول، آدم‌های جدیدی به نظر می‌رسیدند، اما با کمی دقت می‌شد فهمید که اعتراض روزهای گذشته کاربران مجازی به حضور زنان متهم با حجاب چادر مشکلی در دادگاه و بعد هم اظهار نظر رئیس قوه قضائیه در این باره، اثر بخش بوده است. زنان متهم ، این بار با همان

حجاب و پوششی که بیرون از دادگاه دارند، در جایگاه متهمان نشسته بودند و خبری از چادر مشکلی نبود که بتوانند با آن صورتشان را در برابر دوربین رسانه‌ها بپوشانند.

پیش از این کاربران فضای مجازی با تأکید بر عزت حجاب برتر از مقامات مسئول در قوه قضائیه خواسته بودند به نحوه پوشش این متهمان رسیدگی کنند.

پیغام گل محمدی برای مشه‌دی‌ها

برای کسب افتخار پا پس نمی‌کشیم!

۱۱۵

ورزش

پس از جلسه با مسئولان فدراسیون فوتبال

مجیدی برای تیم ملی امید سفارش حریف خارجی داد

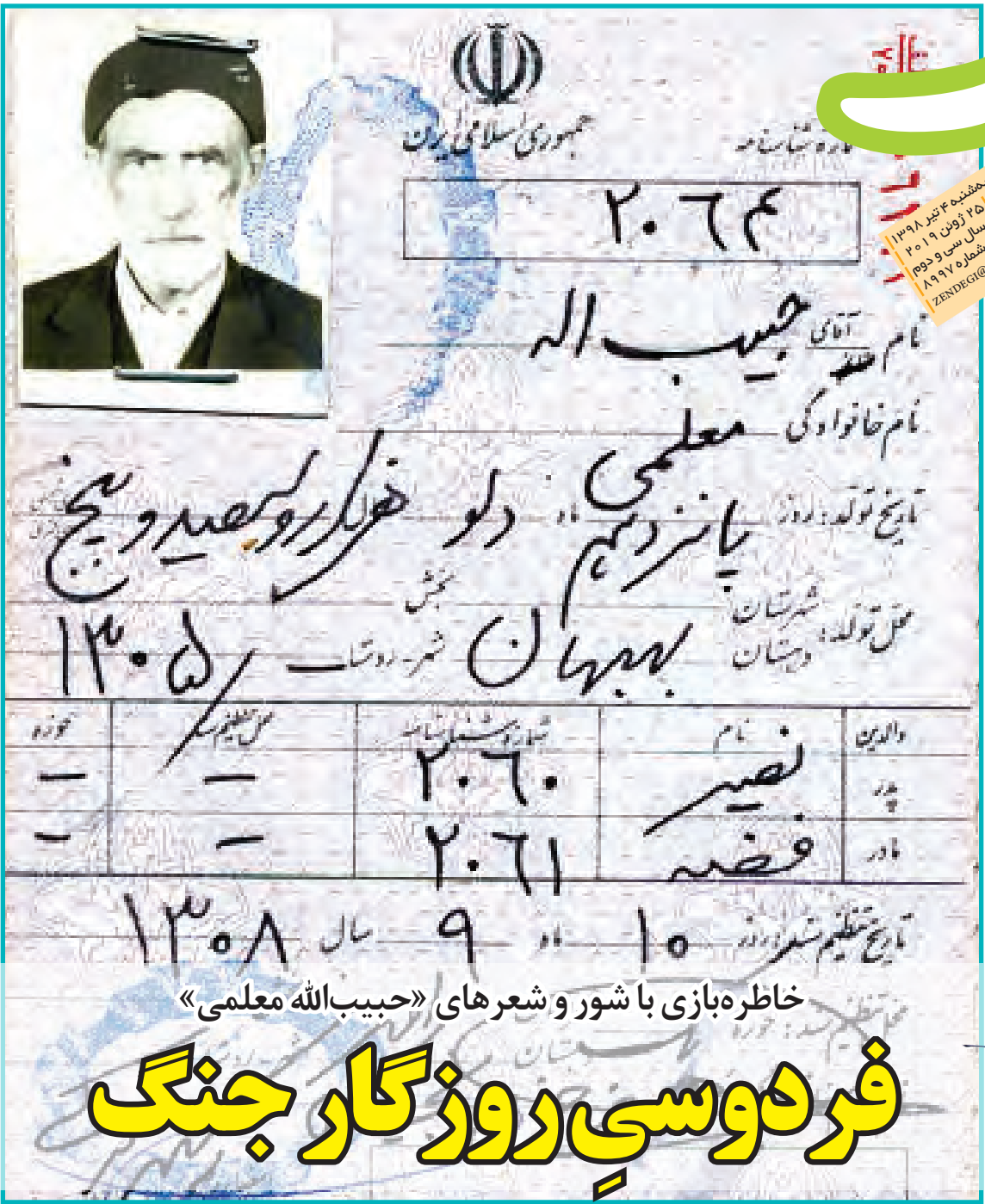
قهرمان جودو جهان انفرادی تمرین می‌کند

مولایی در راه کیانوش!

قهرمان جودو جهان و یکی از امیدهای کاروان ورزشی ایران در المپیک ۲۰۲۰، گفت: با برنامه‌های مربی شخصام و تمریناتی که تحت نظر او انجام می‌دهم آماده می‌شوم و مسئولان فدراسیون نیز در جریان این مسئله هستند. «سعید مولایی» جودوکار مطرح کشورمان که پس از کسب مسال طلا در رقابت‌های جایزه بزرگ چین راهی آلمان شده بود تا مبارزاتش در بوندسلیگا را ادامه دهد اظهار داشت: حدود پنج روز پیش از آلمان بازگشتم و پس از استراحت کوتاهی که داشتم تمریناتم را پیگیری می‌کنم...وی افزود: رقابت‌های جایزه بزرگ کرواسی را پیش رو داریم و باید برای حضوری موفق در این رویداد آماده شوم. قهرمان سال ۲۰۱۸ جهان در خصوص نحوه پیگیری تمریناتش توضیح داد: تمریناتم با برنامه‌های اختصاصی و تحت نظر مربی شخصی‌ام (محمد منصوری) پیگیری می‌شود و او تمرینات بدنسازی و جودو من را تحت نظر دارد. وی ادامه داد: رئیس فدراسیون جودو و مدیرتیم‌های ملی نیز از این موضوع مطلع هستند و شرایط خوبی دارم...

۷ ستاره پدیده لیگ و ۱۴ ملی‌پوش بلا تکلیف هستند

ستاره‌های سرگردان



خاطره‌بازی با شور و شعرهای «حبیب‌الله معلمی»

فردوسی روزگار جنگ

خودشان یک پایه جذب نیرو هستند... وقتی فیلم این‌ها را انجام می‌داد و انگار مدتی کارمندی هم کرده بود، قریحه شعری‌اش اما انگار کنار آب، زمین، خاک و در دل طبیعت بارور می‌شد. برای همین خیلی از خوزستانی‌ها تا پیش از جنگ او را بیشتر از شاعری به کشاورزی کردند می‌شناختند. یعنی حبیب‌الله برایشان همان کشاورزی بود که خوب شعر و نوحه می‌سرود. منتها جنگ ماجرا را عوض کرد. «صادق آهنگران» گفته است: «همان اوایل جنگ من با سیف‌الله، پسر حاج آقامعلمی در جهاد سازندگی آشنا شدم... گفت: پدرم شعر میگه، اگه دوس دارین برای شما هم که توی مراسم نوحه میخونن شعر بگه... من همان جا روی نوار کاست چند بیت ضبط کردم و نام چند شهید خوزستان را هم نوشتم و به سیف‌الله دادم... سیف‌الله روز بعد با برگه شعر پدر آمد نوحه «ای شهیدان به خون غلطان خوزستان درود» همان روز شکل گرفت و مدتی بعد سراسر ایران آن را شنیدند و با بیت بیئتش سینه زدند. آهنگران و معلمی از همان روز به زوج هنری دوران جنگ تبدیل شدند و البته همتا هنرشان حماسه‌سرایی‌هایی بود که با زبانی ساده درباره مفاهیم بسیار مهم و والایی حرف می‌زد و بعد هم بخوبی بر آهنگ می‌نشست و در حوزه شنیداری هم موفق بود. ویژگی دیگری که اشعار ایشان داشت توجه به حماسه بود. روح حماسی که در اشعار

خونی که پشت نوحه هاست

شاعر همشهری‌اش- مرتضی حیدری ال کثیر- درباره این شعر گفت: «آقای آهنگران و دیگر افراد مداح نوحه‌های دیگری هم داشتند اما آن نوحه‌هایی برجسته‌تر شد که دو بال ملودی خوب و شعر خوب را همراه داشته است. بخشی از ماجرای ماندگاری این اشعار به آن تاریخ و توجه به حماسه بود. روح حماسی که در اشعار در سرتگه سروده شده است و این دو تن در شب‌های عملیات کار را شکل داده‌اند. خاطره‌ای که پشت این کار است و خونی که پشت این نوحه‌هاست این اشعار را متولد کرده و سبب شده که خاطره یک نسل را تشکیل بدهد... اشعار معلمی این ویژگی را داشت که با زبانی ساده درباره مفاهیم بسیار مهم و والایی حرف می‌زد و بعد هم بخوبی بر آهنگ می‌نشست و در حوزه شنیداری هم موفق بود. ویژگی دیگری که اشعار ایشان داشت توجه به حماسه بود. روح حماسی که در اشعار کارهای ایشان است. ایشان در عین حال که در نوحه به حزن توجه داشت از حماسه غافل نبود و حتماً می‌دانید آنچه از ایشان بیشتر برجسته شد و مردم همچنان با شنیدنش به خاطر می‌آورند و گاه زیر لب تکرار می‌کنند همان‌هایی هستند که محاسنی‌اند و در عین سادگی دریایی از معنا و انگیزش با خود به همراه دارند».

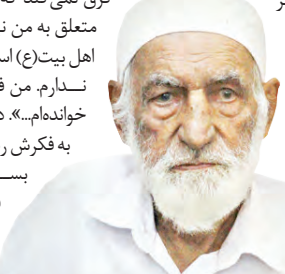
از شرکت‌های خصوصی کارهای حسابداری ستی را انجام می‌داد و انگار مدتی کارمندی هم کرده بود، قریحه شعری‌اش اما انگار کنار آب، زمین، خاک و در دل طبیعت بارور می‌شد. برای همین خیلی از خوزستانی‌ها تا پیش از جنگ او را بیشتر از شاعری به کشاورزی کردند می‌شناختند. یعنی حبیب‌الله برایشان همان کشاورزی بود که خوب شعر و نوحه می‌سرود. منتها جنگ ماجرا را عوض کرد. «صادق آهنگران» گفته است: «همان اوایل جنگ من با سیف‌الله، پسر حاج آقامعلمی در جهاد سازندگی آشنا شدم... گفت: پدرم شعر میگه، اگه دوس دارین برای شما هم که توی مراسم نوحه میخونن شعر بگه... من همان جا روی نوار کاست چند بیت ضبط کردم و نام چند شهید خوزستان را هم نوشتم و به سیف‌الله دادم... سیف‌الله روز بعد با برگه شعر پدر آمد نوحه «ای شهیدان به خون غلطان خوزستان درود» همان روز شکل گرفت و مدتی بعد سراسر ایران آن را شنیدند و با بیت بیئتش سینه زدند. آهنگران و معلمی از همان روز به زوج هنری دوران جنگ تبدیل شدند و البته همتا هنرشان حماسه‌سرایی‌هایی بود که با زبانی ساده درباره مفاهیم بسیار مهم و والایی حرف می‌زد و بعد هم بخوبی بر آهنگ می‌نشست و در حوزه شنیداری هم موفق بود. ویژگی دیگری که اشعار ایشان داشت توجه به حماسه بود. روح حماسی که در اشعار

شاعر همشهری‌اش- مرتضی حیدری ال کثیر- درباره این شعر گفت: «آقای آهنگران و دیگر افراد مداح نوحه‌های دیگری هم داشتند اما آن نوحه‌هایی برجسته‌تر شد که دو بال ملودی خوب و شعر خوب را همراه داشته است. بخشی از ماجرای ماندگاری این اشعار به آن تاریخ و توجه به حماسه بود. روح حماسی که در اشعار در سرتگه سروده شده است و این دو تن در شب‌های عملیات کار را شکل داده‌اند. خاطره‌ای که پشت این کار است و خونی که پشت این نوحه‌هاست این اشعار را متولد کرده و سبب شده که خاطره یک نسل را تشکیل بدهد... اشعار معلمی این ویژگی را داشت که با زبانی ساده درباره مفاهیم بسیار مهم و والایی حرف می‌زد و بعد هم بخوبی بر آهنگ می‌نشست و در حوزه شنیداری هم موفق بود. ویژگی دیگری که اشعار ایشان داشت توجه به حماسه بود. روح حماسی که در اشعار کارهای ایشان است. ایشان در عین حال که در نوحه به حزن توجه داشت از حماسه غافل نبود و حتماً می‌دانید آنچه از ایشان بیشتر برجسته شد و مردم همچنان با شنیدنش به خاطر می‌آورند و گاه زیر لب تکرار می‌کنند همان‌هایی هستند که محاسنی‌اند و در عین سادگی دریایی از معنا و انگیزش با خود به همراه دارند».

این شعرها مال من نیست

چه پیش از دوره جنگ، چه وقتی «ای لشکر صاحب زمان آماده باش آماده باش» و آهنگران بیشتر از او معروف و مشهور شد و چه سال‌های پس از جنگ که فرصتی پیدا شد تا رزمندگان سابق و مردم عادی «حبیب‌الله» را به عنوان خالق نوحه‌های ماندگار و حماسی بشناسند، او خودش را چندان شاعر به حساب نمی‌آورد. از زندگی، حرف زدن و سرودنش تواضع می‌بارید. دعوت شدن اهل بیت(ع) به سفرهای مختلف را هم با آزاره‌ها می‌پذیرفت که «شاعر من فقط نوحه هستن بابا... ممکنه بقیه شعر... امروز یه، خیلی نپسندن» سال ۸۷ هم وقتی خبرنگاری پرسیده بود: آقای معلمی این مسئله که حتی امروز، برخی‌ها را نمی‌شناسند و نمی‌دانند اغلب شعرهایی که حاج صادق می‌خواند از شامت چه حسی به شما دست می‌دهد، گفته بود: «برای ما هیچ فرق نمی‌کند که بداند یا نداند... این‌ها متعلق به من نیست... لطف و عنایت اهل بیت(ع) است و گر نه من که سودای ندارم... من فقط ۶ کلاس سابق را خوانده‌ام...» درباره اینکه چرا و چطور به فکرش رسید، نوحه‌های حماسی بسازد هم گفته است: «به فکرم رسید که چون رزمندها خودشان در صحنه هستند،

ساعت ۱۰ صبح ۴ تیرماه ۱۳۹۲ هم خبرگزاری‌ها در خبر تازه‌تری از قول دخترش نوشتند: «حبیب‌الله معلمی دیگر قادر به شناخت اطرافیان نیست و با دستگاه تنفس می‌کند...» به بهانه این خبر خیلی از رسانه‌هایی که روزهای گذشته جا مانده بودند، شاعر خوزستانی را بیشتر به یاد مردم آوردند... معلمی که شعر و شاعری‌اش را از همان جوانی نذر اهل بیت(ع) و نوحه‌خوانی کرده بود، در سال ۱۳۴۰ از راهپرز به اهواز مهاجرت کرد و در زمینی در کنار رودخانه کارون به کشاورزی مشغول شد... در فرصت‌های بسیاری همراه با فرزندانش در سنگرهای دفاع هم حضور داشت و همزمان به سرودن شعر هم می‌پرداخت...
زوج هنری
«حبیب‌الله» پیش از کشاورزی به گفته فرزندانش در یکی



مجازآباد

یک کمپین درست و حسابی

شبکه سه با راهاندازی پوششی با عنوان «صاحبخانه خوب» از مالکان مسکن می‌خواهد میزان اجارهبها را افزایش ندهند. در این پوشش همچنین از مستأجران خواسته شده نام صاحبخانه‌ای که اجارهبها را افزایش نداده است برای برنامه ارسال کنند. کاربران فضای مجازی هم همزمان با داغ کردن هشتگ #صاحبخانه خوب، نسبت به راهاندازی این پوشش واکنش دادند. کاربری در قالب این هشتگ نوشته است: «علاوه بر راهاندازی این کمپین باید روی خونه‌های خالی مالیات ببندن تا ببینن کی جرئت داره برای خونه ۱۱۰ متری توی دهکده المپیک ۱۵۰ پیش بگیره با ماهی ۱۷۰۰».

تبریک «هادی» به «بهداد»

منوچهر هادی در واکنش به دریافت جایزه بهترین بازیگر مرد جشنواره فیلم «شنانگهای» توسط حامد بهداد برای بازی در فیلم «قصر شیرین»، تصویری از واکنش حامد بهداد به انتخابش به عنوان بهترین بازیگر مرد جشنواره را در صفحه اینستاگرامش به اشتراک گذاشت و نوشت:

«درست لحظه دریافت جایزه بهترین بازیگر نقش اول جشنواره شانگهای برای حامد عزیز در پشت صحنه سربال دل که از طریق واتساپ شاهد دریافت جایزه بودیم، جای حامد در فستیوال خالی بود. تبریک به حامد دوست داشتنی.

قرارهای عاشقی

علی طهرانی مقدم، برادرزاده سردار شهید حسن طهرانی مقدم عکسی از پدر موشکی ایران را در صفحه توئیتر خود منتشر کرد که سجدده شکر این شهید پس از تست موفقیت‌آمیز یک موشک را نشان می‌دهد. علی طهرانی مقدم در توئیتر خود نوشت: «حوالی همین روزها بود، هشت سال پیش، وقتی پس از تست موفقیت‌آمیز آخرین دست پرورده‌ات، مثل قافله‌های عاشقی همیشگی‌ات در کنار لایچر سجده شکر تو لاتی بجای آوردی... جایات اما امروز خالیست که موفقیت شلیک موشک‌هایت را توسط یارانت نظاره‌گر باشی و البته سجده‌های شکرشان را».

تاثرات انتخاباتی

طبق اخبار منتشر شده در رسانه‌ها در یکی از جلسات دولت، روحانی خطاب به جهانگیری گفته است: شما و اصلاح‌طلبان به دنبال سرنگونی دولت هستید و جهانگیری در واکنش به این سخنان روحانی، جلسه را ترک کرده است. هرچند سخنگوی دولت گفته است: «بین اختلاف‌نظر و قهر تفاوت وجود دارد و طرح موضوع قهر در شان آقای جهانگیری نیست» اما کاربران فضای مجازی هشتگ #جهانگیری را در توئیتر داغ کرده‌اند. کاربری در این باره نوشته است: «مثلاً ما نمی‌فهمیم که این ماجرا یک تاثیر نیست برای انتخابات دوره بعد که بیان یکن را اعتدال از اصلاحات جداسات برای همین این بار به اصلاحات واقعی رای بدین».

